متن کنفرانس

روایت تاریخ:

چگونه خراسان، افغانستان شد؟

پروفیسور دکتور لعل زاد (در برنامه کلب هاوز- Clubhouse)

ساعت ۶ شام به وقت لندن

۲۱ می ۲۰۲۱

روایت تاریخ
چگونه خراسان،
افغانستان شد؟





پروفسور
عبدالخالق لعل‌زاد



با همکاری
بصیر آهنگ
جمعه ۲۱ می
ساعت ۹.۳۰ شب
بوقت کابل
@bahramgour
Clubhouse

عنوان ها

اول – توضیح کوتاه پیرامون واژه های افغان، افغانی و افغانستانی

دوم – پیشینه واژه افغان و گسترش آنها

سوم – پیشینه واژه افغانستان و گسترش آن

چهارم – پیشینه خراسان و تبدیل آن به افغانستان

پنجم – پروسه افغان/پشتون/پشتو سازی افغانستان

نتیجه گیری

اول – توضیح کوتاه پیرامون واژه های افغان، افغانی و افغانستانی

کسانی که در افغانستان زندگی می کنند، همه افغان یا افغانی نیستند، بلکه افغانستانی اند.

زیرا «افغان» نام یکی از چهار قوم بزرگ افغانستان (تاجیک، افغان/پشتون، هزاره و اوزبیک) و «افغانی» نام واحد پول آن کشور است.

در افغانستان «قوم اکثریت» وجود ندارد (جمعیت تاجیک ها شاید حدود ٪۴۰، افغان ها حدود ٪۳۰، هزاره ها حدود ٪۲۰ و اوزبیک ها حدود ٪۱۰ باشد؛ چون هیچ گونه سرشماری صورت نگرفته است)!

نام یکتعداد کشورها مانند افغانستان، تاجیکستان، اوزبیکستان و قزاقستان به نام یک قوم/تبار است، در حالی که باشندگان آنها متشکل از اقوام مختلف است!

بنابراین، شهروندان این کشورها باید افغانستانی، تاجیکستانی، اوزبیکستانی و قزاقستانی نامیده شوند.

تذکر کوتاه در مورد محتوای مطالب

* هر آنچه گفته می شود، بر بنیاد «اسناد و منابع تاریخی» است، نه «تحلیل» ها!

* تمام اسناد و منابع «دست اول و معتبر» اند، نه «نقل قول» ها!

* اگر اسنادی مانده باشد و یا در جایی اشتباه شده باشد، با ذکر اسناد پذیرفته می شود!

دوم – پیشینه واژه افغان و گسترش آنها

تمام منابع و آثار موجود در مورد واژه/نام «افغان» را می توان به ۸ هشت دوره تقسیم کرد:

دوره اول – **شامل منابع دوره سامانیان، غزنویان، غوریان و آل کرت در سده های ۱۰ الی ۱۴ است که در آنها از «افغان» ها بصورت عام یاد شده** (واژه «افغان» بار نخست در حدود العالم، ۹۸۲ ذکر شده) **که در گستره «کوه های سلیمان» یا «افغانستان» آن روزگار زندگی داشتند و** (به قول البیرونی) **از نژاد هندوان اند. در این آثار از سرکوب و مطیع سازی آنها توسط غزنویان، غوریان و آل کرت هرات در کوه های سلیمان** (واقع در پاکستان امروزی) **یاد شده است.**

دوره دوم – **شامل منابع دوره آل مظفر در سده های ۱۴ و ۱۵ است که در آنها از «افغان های مغول» در کرمان ایران و شورش آنها به مقابل آل مظفر در سده ۱۴ یاد شده تا اینکه داستان آنها با سقوط آل مظفر توسط امیرتیمور به پایان رسیده است** (از مناسبات این «افغان های مغول» با «افغان های کوه های سلیمان» چیزی نمی دانیم)**.**

دوره سوم – **شامل منابع دوره امیرتیمور گورکانی در سده ۱۵ است که در آن ها برای بار اول نام چند قبیله افغانی (**ورکونی، پرنیانی، کرکس و کلاتیان**) در کوه های سلیمان و سرکوب آنها توسط امیرتیمور و هم اسکان ۳۰۰ کس از قشون، سه اغلان جوجی نژاد و ۴۰۰ خانواده اوزبک در آن کوه ها ذکر شده است (**از سرنوشت این قبایل افغانی و ناقلین مغول/اوزبک چیزی نمی دانیم**).**

دوره چهارم – **شامل منابع دوره بابر در سده ۱۶ است که در آن ها برای بار نخست از قبایل امروزی افغان (**غلجی، بنگش، خوگیانی، توری، مهمند، دلزاک، یوسف زی، محمدزی، افریدی، وزیری وغیره**) و سرکوب آن ها در کوه های سلیمان و وادی کابل-پشاور توسط بابر یاد شده و نام زبان آن ها «افغانی» گفته شده است.**

دوره پنجم – **شامل منابع دوره مغولان هند در سده های ۱۶ الی ۱۸ و نشان دهنده ایجاد نخستین ادبیات زبان «افغانی/پشتو» و تاریخ سازی برای منشای افغان ها و قبایل مختلف آن ها (**اسراییلی، قبطی، عربی وغیره**) است.**

دوره ششم – **شامل منابع دوره به قدرت رسیدن غلجی ها در قندهار/اصفهان (**به ویژه سقوط صفویان در ۱۷۲۲**) و ابدالی ها در قندهار/کابل (**پس از قتل نادر افشار در ۱۷۴۷**) در سده ۱۸ است.**

دوره هفتم – **شامل منابع دوره زوال ابدالی ها، ایجاد ملوک الطوایفی، آغاز بازی بزرگ در بین برتانیه و روسیه (**لشکرکشی برتانیه به کابل در ۱۸۳۹ و ۱۸۷۹**) و ایجاد «منطقه/دولت حایل» در میان هند برتانوی و روسیه تزاری در سده ۱۹ است.**

دوره هشتم – **شامل منابع دوره ایجاد کشور افغانستان در اواخر سده ۱۹ [«مرزبندی» کشور در زمان عبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱)] و اوایل سده ۲۰ [«اعلان استقلال» توسط امان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹)] است.**

سوم – پیشینه واژه افغانستان و گسترش آن

تمام منابع و آثار در مورد واژه/نام «افغانستان» را می توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

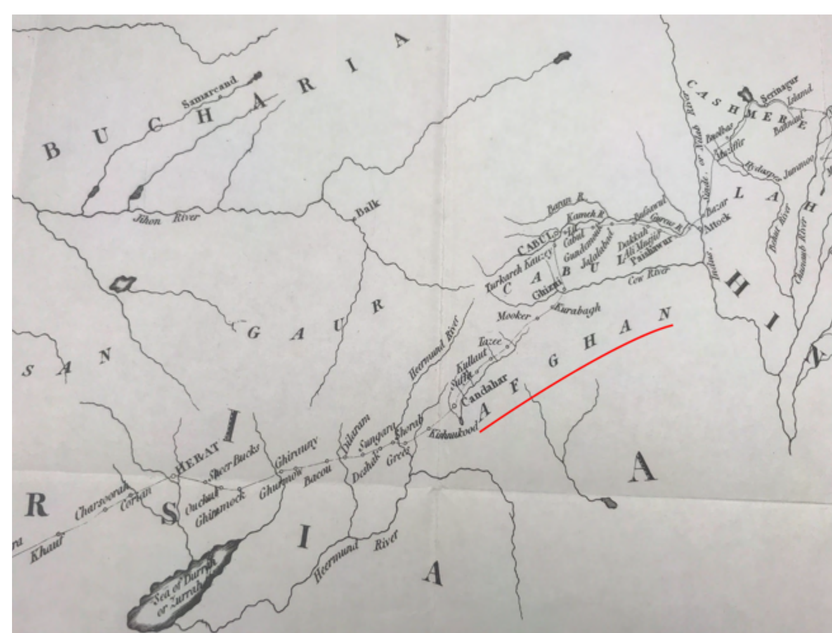
دوره اول – افغانستان یعنی نواحی کوههای سلیمان در پاکستان امروزی (از ۱۳۲۱ تا ۱۸۱۵)

واژه افغانستان بار نخست در تاریخنامه هرات (۱۳۲۱) شامل گستره کوههای سلیمان است؛ مرکز آن مستونگ (شهری در جنوب کویته/پاکستان امروزی) **و مِلِک های آنها «کُرد»هاست. مِلِک شمس الدین کرت مطابق فرمان منکوخان در سال های ۱۲۵۰ از هرات** (پایتخت آل کرت) **به ولایت افغانستان** (مستونگ و قلعه های مستحکم آنها در کوه های سلیمان تا رود سند) **لشکر کشیده و افغانستان تا رود سند را تابع قلمرو آل کرت هرات می سازد.**



نام/واژه «افغانستان» پس از تاریخنامه هرات (۱۳۲۱)، در تاریخ های زیادی (تا اوایل سده نزدهم) **با همان مفهوم سابق، یعنی گستره «کوههای سلیمان» ذکر شده که شامل کابل، غزنی و قندهار نیست.**

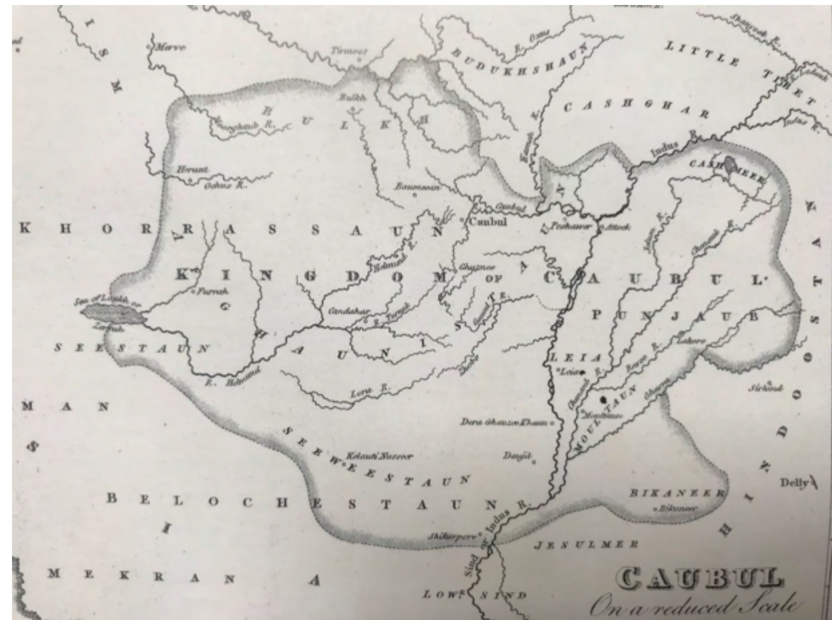
دوره دوم – افغانستان یعنی جنوب هندوکش (کابل و قندهار)
از ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۹ (در منابع انگلیسی)



واژه افغانستان بار نخست در ۱۷۹۸ در سفرنامه «جورج فاستر»
و «بدون ذکر حدود» آن وارد ادبیات کمپنی هند برتانوی می شود.

امپراتوری درانی در اوایل سده ۱۹ فرو می پاشد؛

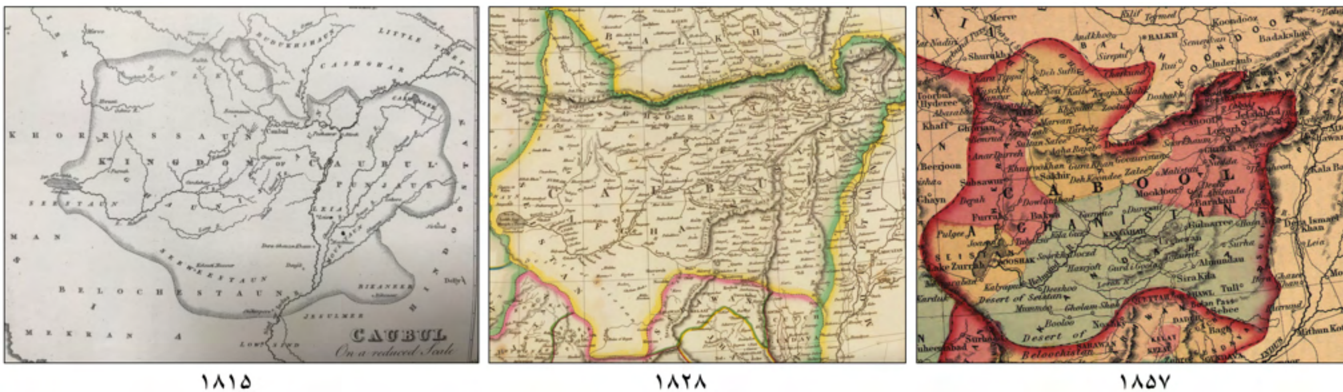
انگلیس ها با تشویش از پیشروی فرانسه (از طریق پارس) هیئتی زیر ریاست «الفنستون» در ۱۸۰۸ به دربار شجاع الملک به پشاور می فرستند تا با او معاهده همکاری امضا کند:



* امضای معاهده با شجاع الملک به نام «شاه کابل» در پشاور در ۱۸۰۹؛

نشر اثر مشهور الفنستون بنام «گزارش سلطنت کابل» در ۱۸۱۵:
افغان ها نام عمومی برای کشورشان ندارند، نامی که توسط ساکنانش بر تمام کشور اطلاق می شود، خراسان است. اما من نام «افغانستان» را که برای آنها ناآشنا نیست، بر این محدوده می گذارم: محدوده ای از شمال به هندوکش، از شرق به رود سند تا مسکن بلوچان و سیوستان!

با پیشروی روسیه از شمال، بازی بزرگ در بین برتانیه/روسیه آغاز می شود و تاریخ منطقه را رقم می زند:
برتانیه دو بار به کابل لشکر می کشد (در ۱۸۳۹ با نصب شجاع الملک و دوست محمد در ۱۸۴۲ و در ۱۸۷۹ با نصب یعقوب خان و عبدالرحمن خان در ۱۸۸۰) **تا از نفوذ روسیه جلوگیری نموده و یک منطقه/دولت حایل با روسیه ایجاد کند** [واژه افغانستان در جریان این سده به مفهوم «جنوب هندوکش یا کابل و قندهار» وارد آثار دانشمندان اروپایی می شود: نقشه ها (در «کشور کابل»!)، مقالات/کتابها و معاهدات]:



۱۸۱۵ ۱۸۲۸ ۱۸۵۷

* معاهده با کامران به نام «شاه هرات» در ۱۸۳۹؛

* معاهده با دوست محمد به نام «والی/حاکم کابل و مناطق افغانستان که در اختیار او است» در ۱۸۵۷؛

* معاهده با یعقوب خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۷۹؛

* معاهده با عبدالرحمن خان به نام «امیر افغانستان و متعلقات آن» در ۱۸۹۳ (مرز دیورند)؛

* معاهده با حبیب الله خان به نام «شاه افغانستان و متعلقات آن» در ۱۹۰۵؛

امیرحبیب الله حتی در «سراج التواریخ» خودش (۱۹۱۳) به نام «پادشاه افغانستان و ترکستان متعلقهٔ آن» نامیده شده است.

دوره سوم – افغانستان یعنی نام عمومی کشور پس از اعلان استقلال (از ۱۹۱۹ تا کنون)

* معاهده صلح (و استقلال) راولپندی با نماینده امان الله به نام «حکومت افغانستان» در ۱۹۱۹؛

* ایجاد نهاد های دولتی (قوای اجراییه، قضاییه و مقننه)، تقسیمات اداری کشور، قوانین (نظامنامه ها) و...

به این ترتیب، پسوند های «متعلقات – Dependencies» و «ترکستان» از آن حذف شده و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور شده است!



وقتی که نام افغانستان به مفهوم جنوب هندوکش (کابل و قندهار) در منابع انگلیسی یاد می شد، این سرزمین ها در منابع داخلی و توسط مردم آن با کدام نام ها نامیده می شدند؟

برای پاسخ به این سوال باید «پیشینه واژه خراسان» را مطالعه کنیم!

چهارم – پیشینه خراسان و تبدیل آن به افغانستان



در دوره پیش از اسلام:

* در زمان ساسانیان، ایران به چهار سپهبد تقسیم می شود:
خُراسان (شرق)، خُربران (غرب)، آذربایجان (شمال) و نیمروز (جنوب)؛

در دوره پس از اسلام:

* قلمرو خراسان (پس از سده دهم) با چهار شهر مشهور شناخته می شود (که از تهران تا بدخشان و از رود سند تا آسیای میانه گسترش دارد): بلخ، هرات، مرو و نیشاپور.



البلدان یعقوبی (۸۹۱ م)

بلخ شهر بزرگ تر خراسان است و پادشاه خراسان شاه طرخان در آنجا منزل داشت...
شهر **بلخ** وسط خراسان است، چنان که از آنجا تا **فرغانه** سی منزل بطرف مشرق است و ازآنجا تا **ری** سی منزل بطرف مغرب. از آنجا تا **سیستان** سی منزل بطرف قبله و از آنجا تا **کابل** و **قندهار** سی منزل، و از آنجا تا **کرمان** سی منزل و از آنجا تا **کشمیر** سی منزل، و از آنجا تا **خوارزم** سی منزل و از آنجا تا **ملتان** سی منزل.

رودکی سمرقندی ۹۴۰ در مورد سامانیان

نه کس بدند ز آل سامان　　دایم به امارت خراسان مشهور
اسماعیل است و احمدی و نصری　　دو نوح و دو عبدالملک و دو منصور

عنصری بلخی ۱۰۴۰ در مورد محمود غزنوی

خورشید خراسان و خدیو زابل　　ارنخشب و کش بهار گردد کابل

ناصر خسرو بلخی ۱۰۶۰

سلام کن ز من ای باد، مر خراسان را　　مر اهل فضل و خرد را، نه عام و نادان را
خاک خراسان چو بود جای ادب　　معدن دیوان ناکس اکنون شد
گرچه مرا اصل خراسانی است　　از پس پیری و مهی و سری
مرا مکان به خراسان به یمگانست　　کسی چرا طلبد در سفر خراسان را

مولوی ۱۲۷۳ (مغولان)

از خراسانم کشیدی تا بر یونانیان　　تا درآمیزم بدیشان تا کنم خوش مذهبی

جامی ۱۴۸۵ (تیموریان)

هر جا که رفت زورق حافظ به بحر شعر　　جامی سفینه تو ز دنباله می رود
نظم تو می رود ز خراسان به شاه فارس　　گر شعر او از فارس به بنگاله می رود

امیرعلی شیر نوایی ۱۴۹۰ (تیموریان)

در خراسان نتوان گفت کس خرم نیست　　کس در روی زمین یافت نشود خرم کو

بابرنامه ۱۵۳۰: هندوستانی **غیرهندوستانی را خراسانی** می گوید. آن چنان که عرب غیرعرب را عجم می نامد!

در «تاریخ احمدشاهی – ۱۷۷۳» و «تاریخ حسین شاهی – ۱۷۹۸» واژه «افغانستان» وجود ندارد!

احمدشاه درانی در «بنای شهر جدید قندهار – ۱۷۴۷»،

دمی که شاه شهامت مدار احمدشاه باستواری همت بنای شهر نهاد
جمال ملک خراسان شد این تازه بنا ز حادثات زمانش خدا نگه دارد

در مهُر و سکه احمدشاه درانی: مژده که شد پادشاه میرِ جهان پهلوان احمد گیتی ستان، وارث تخت کیان

تیمورشاه در «تاج گذاری – ۱۷۷۲»،

کابل امروز به آیین کیان جشن گرفت که نهد تاج بسر شاه خراسان امروز

شاه شجاع در تاریخ «واقعات – ۱۸۳۵» خود؛

از احمدشاه تا شاه شجاع در «تاریخ احمد – ۱۸۵۰»؛

شاه شجاع و امیر دوست محمد در تاریخ «نوای معارک – ۱۸۵۵»؛

امیر محمد افضل در «مُهر – ۱۸۶۶» خود

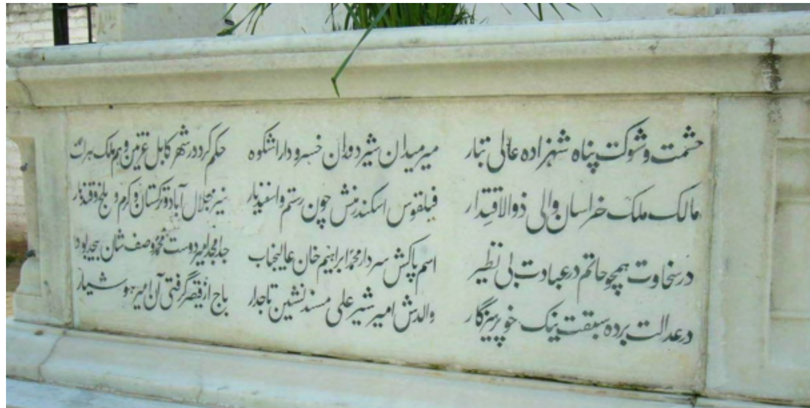
دو فوج مشرق و مغرب ز هم مفصل شد امیر ملک خراسان محمد افضل شد

اعظم خان در «گلشن امارت – ۱۸۷۰» (در مورد مرگ اعظم خان در بسطام)،

یارب بحق شاه خراسان امیر آن فغفر له بفضلک یا منشق القبور

امیر شیرعلی در تاریخ «گلشن امارت – ۱۸۷۰» و «سنگنبشته آرامگاه پسر خود – ۱۹۰۴»

حشمت و شوکت پناه شهزاده عالی تبار　　مالک ملک خراسان والی ذوالاقتدار
اسم پاکش سردار محمد ابراهیم خان عالیجناب　　والدش امیرشیرعلی مسند نشین تاجدار
حکم کرد در شهر کابل، غزنین و هم ملک هرات　　نیز جلال آباد و ترکستان و کرم و بلخ و قندهار
جد امجد امیردوست محمد وصف شان بی حد بود　　باج از قیصر گرفتی آن امیر هوشیار



شاهان، امرا و حاکمان «خراسان» نامیده شده اند!

خارجی ها آن گونه که «ایران» را تا ۱۹۳۵ «پارس» می نامیدند، نام «افغانستان» یا کوههای سلیمان را در ۱۸۱۵ بر بخشی از خراسان (کابل و قندهار) گذاشتند تا این که در ۱۹۱۹ نام عمومی کشور شد!

بیلیو در دو اثر خود در ۱۸۸۰ و ۱۸۹۱ می گوید:
مردمان این سرزمین، کشور خود را «خراسان» گویند، اما خارجی ها آن را «افغانستان» نامیده اند!

پس از اعلان استقلال افغانستان توسط امان الله (در ۱۹۱۹)، پسوند های «متعلقات» و «ترکستان» حذف شد و واژه «افغانستان» نام عمومی کشور گردید!

و به این ترتیب خراسان، افغانستان شد!

ایجاد کشور «افغانستان امروزی»

* هند برتانوی در تعامل با روسیه تزاری در دوران امیرعبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱)، محدوده ای در داخل سرزمین های خراسان کهن/تاریخی را به نام «افغانستان و متعلقات آن» مرزبندی کرد (با آنکه مردم آن، سرزمین خود را «خراسان» و خود را «خراسانی» می نامیدند)؛ اما استقلال آن در ۱۹۱۹ توسط امیرامان الله اعلان گردید و نام آن صرف «افغانستان» شد!

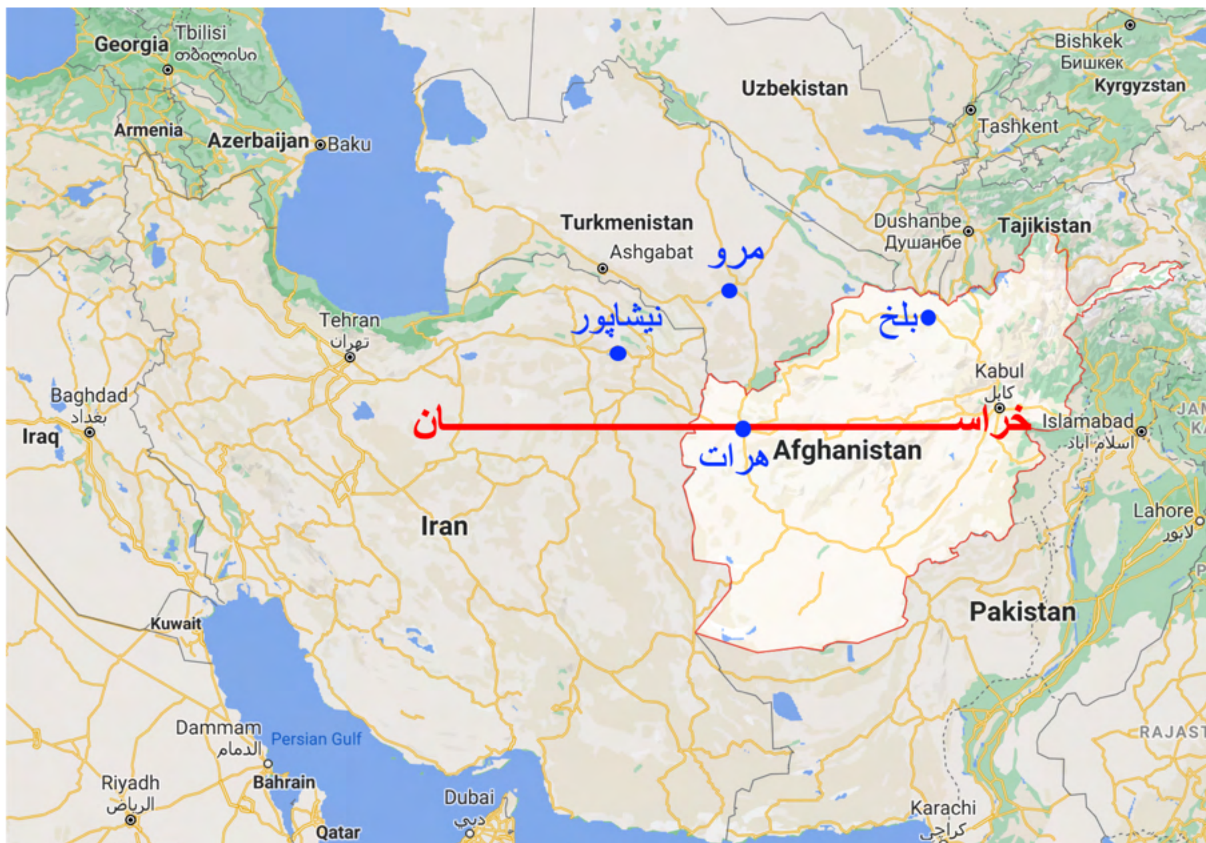
* حال، قضاوت با شماست که تاریخ ایجاد کشور «افغانستان» را از تاریخ «مرزبندی» آن محاسبه می کنید و یا از تاریخ «استقلال» آن (که حدود ۱۰۰ – ۱۴۰ سال می شود)!

دوره امیرعبدالرحمن (۱۸۸۰ – ۱۹۰۱)

* امیرعبدالرحمن یک دیکتاتور مطلق بود! اقوام و قبایل سرکش را مانند «استعمارگران کهن» قتل عام، تبعید، برده و فراری ساخت (به ویژه کافرها را به جرم «کفر/بی دینی» و هزاره ها را به جرم «شیعی/رافضی»).

* او با زور شمشیر حکومت کرد و برای بار نخست در این سرزمین ها یک «دولت مرکزی استبدادی» ایجاد نمود؛ به همین دلیل «امیرآهنین» نامیده شد!

* اما تا کنون اسنادی در مورد اندیشه «برتری قومی/زبانی» او وجود ندارد (زیرا او تا آخر عمر خود با «زبان و فرهنگ پارسی» حکومت کرد)!



ظهور فاشیزم «افغانیزم/پشتونیزم» در افغانستان

*** فاشیزم اندیشه «برتری خواهی» یا «تفوق طلبی» بر بنیاد نژاد/قوم، زبان/فرهنگ، دین/مذهب وغیره است!**

*** فاشیزم می تواند دولتی، سازمانی، گروهی یا فردی باشد؛**

*** اندیشه های فاشیستی در سطح افراد و گروهها، حتی در پیشرفته ترین کشورها وجود دارد (**که زیاد مهم نیست**!)، اما ارتقای این اندیشه ها در سطح «احزاب سیاسی» و به ویژه «قدرت/اقتدار دولتی» منجر به فاجعه اجتماعی برای جامعه/بشریت می شود!**

*** نازیزم هتلری، فاشیزم دولتی بود که (**با زبان و فرهنگ پیشرفته و دانش و فناوری علمی**) خواهان برتری نژادی خود (آریایی) و الحاق سرزمین های دیگران بود؛ اما در پی تحمیل هویت خود و مخالف علم و دانش و زبان و فرهنگ دیگران نبود.**

*** افغانیزم/پشتونیزم فاشیزم دولتی است که (**با زبان و فرهنگ عقب مانده و «مظلومیت نمایی»: شکوه از حاکمیت زبان و فرهنگ پارسی**) برعلاوه برتری خواهی قومی-زبانی خود (افغان/پشتون) و الحاق سرزمین های دیگران، در پی تحمیل «هویت قبیلوی» خود (**نابودی زبان و فرهنگ دیگران**) و مخالف علم/دانش و فرهنگ/تمدن بشری بوده و جامعه/کشور را به قرون وسطا سوق می دهد!**

پنجم – روند افغان/پشتون/پشتو – سازی افغانستان



مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

زبان افغانی اجداد زبانهاست

این بیانات مارا بعضی برتعصب ملتی ما حمل کرده خواهند کفت
که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ وثقیل کلفت را
که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند
میخواهد که اجداد زبان‌ها ؛ وافغانهای به این کمنامی و کم عددی ،
وساده گی ، وکوهستانی وحشی را میخواهد اجداد یک کتلهٔ عظیمهٔ
بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

دوره امیرحبیب الله (۱۹۰۱ – ۱۹۱۹): محمود طرزی در سراج الاخبار ۱۹۱۳:

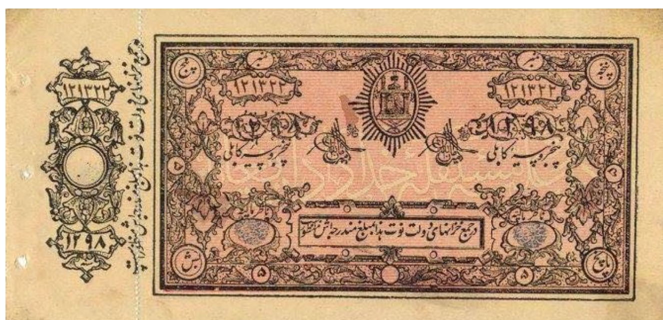
«زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی است» (ترکهای جوان/پانترکیزم: «ترکیه تنها از آن ترکان است»)!

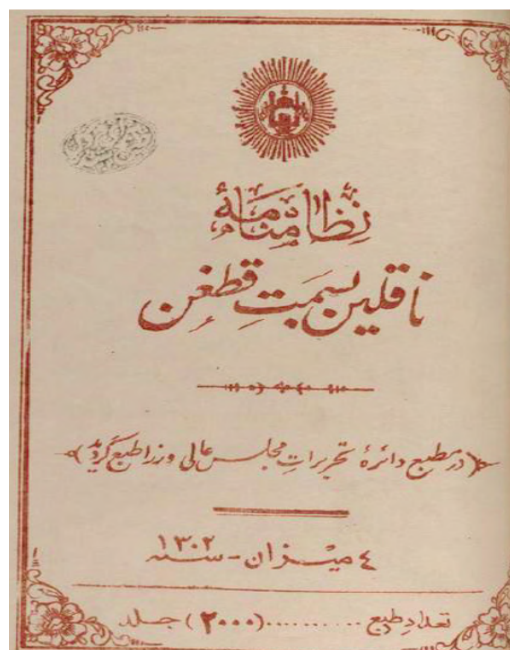
ظهور اندیشه افغانیزم (برتری قومی – زبانی افغان)

دوره امیرامان الله (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹): «نظامنامه ناقلین به سمت قطغن»، تبدیل پول از «روپیه کابلی» به «افغانی» و نوشتن نخستین «تاریخ/تاریخچه افغانستان»!

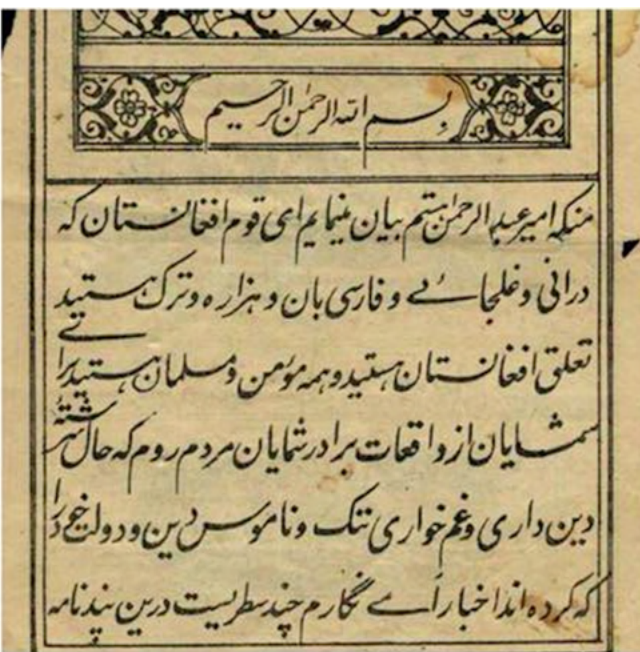
نخستین گام های عملی











بسم الله الرحمن الرحیم

منکه امیر عبدالرحمن هستم بیان مینمایم ای قوم افغانستان که
درانی و غلجایی و فارسی بان و هزاره و ترک هستید
تعلق افغانستان هستید و همه مومن و مسلمان هستید
شمایان از واقعات برادر شمایان مردم روم که حال
دین داری و غمخواری تنگ و ناموس دین و دولت خود
که کرده اند اخبار ای نگارم چند سطر است درین پندنامه

* افغان ها تا دوره امیرامان الله «نَسَب قبیلوی» خود را «هویت قومی» خود می دانستند و خود را با آن معرفی می کردند (نه افغان/پشتون): مانند درانی، غلجایی، محمدزی، توخی، وزیری، خوگیانی و...

* پند نامه امیرعبدالرحمن (۱۹۰۰)؛

* تذکره/شناسنامه امیرامان الله (۱۹۲۱) و دیگران؛

* منار علم و جهل دهمزنگ/کابل (شهدای جنگ استقلال، ۱۹۲۵)؛

* به گمان غالب، نام «افغان» توسط پارسیان بر آنها گذاشته شده و اصطلاح قوم «افغان» یا «پشتون» در بین آنها معمول نبوده است (چنانچه در هند نیز به نام «پتان» نامیده شده اند)!

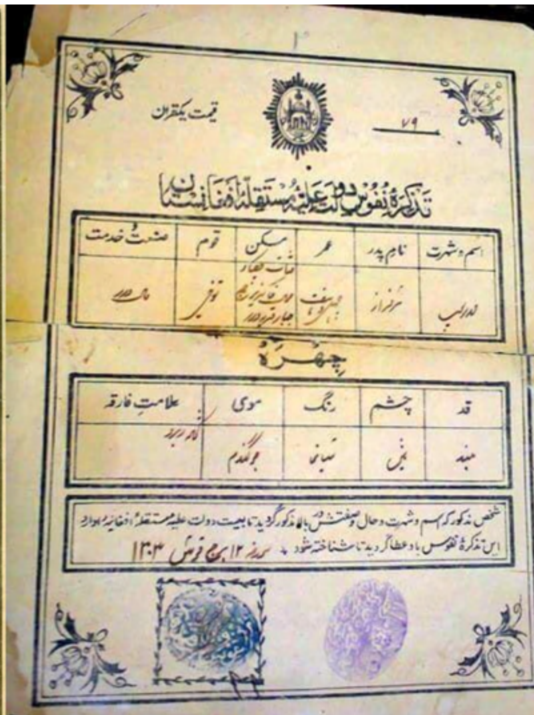


تذکرهٔ نفوس دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان

اسم و شهرت	نام پدر	عمر	مسکن	قوم	صنعت و خدمت
[illegible]	[illegible]	۳۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]

چهره

قد	چشم	رنگ	موی	علامت فارقه
میانه	[illegible]	[illegible]	سیاه	[illegible]



تذکرهٔ نفوس دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان

اسم و شهرت	نام پدر	عمر	مسکن	قوم	صنعت و خدمت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

چهره

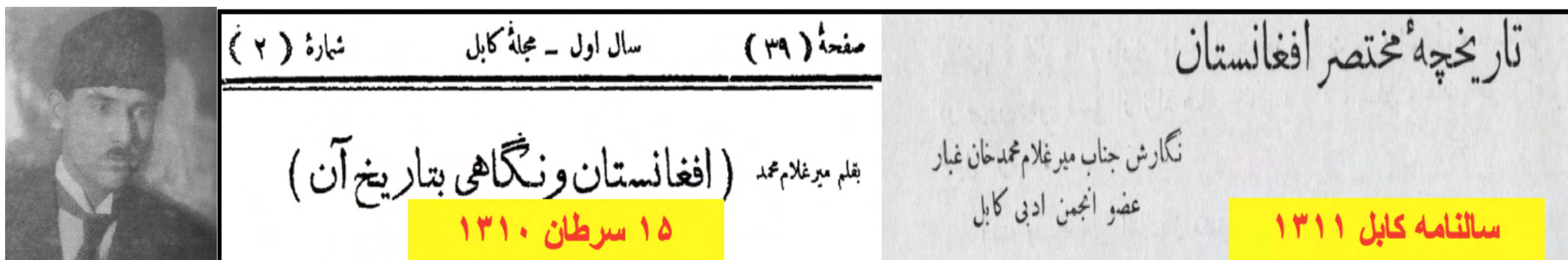
قد	چشم	رنگ	موی	علامت فارقه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



دوره امیرحبیب الله کلکانی (۱۹۲۹): حکومت ۹ ماهه تاجیک ها

فاشیزم دولتی (افغانیزم/پشتونیزم): دوره ۵۰ ساله نادرشاه، ظاهرشاه و داود (۱۹۲۹ – ۱۹۷۸)

دوره نادرشاه (۱۹۲۹ – ۱۹۳۳): ایجاد «انجمن ادبی کابل» و رسالات غبار «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن» در ۱۹۳۱ و «تاریخچه مختصر افغانستان» در ۱۹۳۲: افغان نامیدن سامانیان، غزنویان و... پیشینه تاریخی چندهزار ساله برای «کشور افغانستان»!



دوره ظاهرشاه (۱۹۳۳ – ۱۹۷۳): (صدارت هاشم خان ۱۹۲۹ – ۱۹۴۶)

* تبدیل زبان «افغانی» به «پشتو» در ۱۹۳۵ (فرمان تعمیم زبان پشتو)؛

* ایجاد «پشتو تولنه» و «انجمن تاریخ» (برای «تاریخ سازی»)؛

تحمیل هویت قومی، زبانی و فرهنگی قبیله

* افغان – سازی اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک وغیره)؛

* پشتون – سازی قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛

* پشتو – سازی زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!



توصیه عبدالحی حبیبی به شاه جوان (ظاهرشاه) در ۱۹۳۸



برنامه دولت/ملت – سازی بر پایه «شمشیر» هاشم خان

* اختراع «پته خزانه» توسط حبیبی در ۱۹۴۳ (در مقابله با پیشینه زبان پارسی و اعتراف در ۱۹۵۱ در پاکستان)؛

* به رسمیت نشناختن پاکستان و مرز دیورند (۱۹۴۷)؛

* «لغو معاهدات پیشین» در جرگه ۱۹۴۹ و «ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان»؛

* تبدیل «پارسی» به «دری» (در قانون اساسی ۱۹۶۴)؛

* هر کس از افغانستان است، «افغان» است!

* اختراع «مصطلحات ملی»:
(پوهنتون/دانشگاه؛ پوهنزی/دانشکده؛
دانشجو/محصل، دادگاه/محکمه،
شهرداری/شاروالی و...
عدم کاربرد «واژه های ایرانی»)!

دوره داود (۱۹۷۳ – ۱۹۷۸): تداوم...

قوم من ! ای توده والا نژاد　　وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی　　تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا　　حافظ کهسار و قلب اسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی　　یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز　　هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن　　قصر ملت را بر ان تعمیرکن

(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)







هفته یکبار نشر میشود
مؤسس: عبدالحی حبیبی رئیس ترقی افغانستان آزاد

من نمیدانم خاندانی که اجداد شان بخیانت و وطن فروشی از خاک افغانستان رانده شدند، و اولاد شان در خاک دیره دون و هند پیدا و تربیه گردیدند
هنوز هم زبان فارسی، پشتو، زبان مادری خود نمی دانند، و نه روان صحبت کرده میتوانند، و در خانه های خود هندی گپ میزنند، و تا دیروز بسبب خیانتهای خود از خاک
افغانستان رانده شده بودند، یا آن سوانح ننگین و اجنبی پرستی های تاریخی، چگونه بخاک افغانستان صادق شدند؟ و لی امثال ما مردم که عمری را در تنویر اذهان و
خدمات علمی و ادبی کشور عزیز صرف کرده ایم، و زبانی مرده و نامرتب (پشتو) را زندگی ادبی و تاریخی بخشیده ایم، بعلت اینکه ملت آواری و ستمگاری و یغماگری دیو دجال
مسلسل آل یحیی را انتقاد میکنیم، از شرف افغانیت و وطنیت و ملیت محروم شویم، عجبا!

تداوم افغانیزم/پشتونیزم: قومی-شدن سیاست و سیاسی-شدن قومیت (به شکل نیمه مخفی)

دوره کمونیست ها [ترکی، امین، کارمل (اشغال شوروی) و نجیب: ۱۹۷۸ – ۱۹۹۲]:

* ایجاد و تجزیه احزاب «چپ» و «راست» بر بنیاد قومیت؛

* دیکتاتوری کمونیستی (کشتار جمعی)؛ نخستین صدراعظم هزاره!

دوره مجاهدین (مجددی و ربانی: ۱۹۹۲ – ۱۹۹۶):

* ایجاد هرج و مرج (حکومت ۵ ساله تاجیک ها)؛

* تشدید جنگ توسط حکمتیار به خاطر جلوگیری از «استقرار حکومت تاجیک ها»؛

«زوال پشتون ها در افغانستان»،
احدی (۱۹۹۵)

دوره طالبان (ملا عمر: ۱۹۹۶ – ۲۰۰۱):

* دیکتاتوری مذهبی/قومی؛

* استقرار دوباره فاشیزم دولتی (افغانیزم/پشتونیزم به شکل علنی)!

دوره طالبان... تداوم فاشیزم دولتی

زوال پشتون ها در افغانستان،
احدی (۱۹۹۵)

دویمه سقاوي

سمسور افغان



۱۳۷۷ل

(۱۹۹۸)



برنامه فاشیستی «سقاوی دوم» برای جلوگیری از سقاوی سوم (به قدرت رسیدن تاجیکان)

سقاوی اول: سقوط امان الله در ۱۹۲۹ توسط حبیب الله کلکانی «تاجیک»!

سقاوی دوم: سقوط نجیب الله در ۱۹۹۲ توسط مسعود/ربانی «تاجیک»!

* **پذیرش اکثریت بودن افغان/پشتون ها (**که حدود ۶۰٪ اند و آن هم بدون «سرشماری»**)!**

* **پذیرش هویت افغانی/پشتونی دولت-ملت افغانستان (**کشور افغان/پشتون هاست؛ دیگران «مهاجر» اند: تاجیک ها به تاجیکستان، اوزبیک ها به اوزبیکستان و هزاره ها به گورستان بروند**)!**

* **ساکن سازی افغانان در شمال کشور (**برای جلوگیری از تجزیه توسط تاجیکان، اوزبیکان و...**)؛**

* **توزیع دشت های شمال کابل به افغانان برای تغییر ترکیب قومی و جلوگیری از تهاجم تاجیکان به شهر کابل (**چون دولت افغان ها دو بار از همین مسیر سقوط داده شد**)؛**

* **تصفیه مردم پنجشیر از آن جا و توزیع آن برای افغانان؛**

* **ساکن سازی افغانان در بامیان و سرحدات ایران برای جلوگیری از تعاملات ایران (**با شیعیان**)؛**

* **سانسور تمام آثاری که از ایران وارد کشور می شود!**

اشغال امریکا: دوره کرزی – احمدزی (۲۰۰۱ – ۲۰۲۱)، افغانیزم/پشتونیزم: برنامه «سقاوی دوم» (ترور/تطمیع)
(اشتباهات بُن و پسا-بُن: «تسلیمی دولت و پذیرش ماموریت» توسط تاجیک ها)!

* در جلسه بن (۲۰۰۱) کرزی بر بنیاد «افغانیت/پشتونیت» تحمیل شد!

* در ماده ۶۴ قانون اساسی (۲۰۰۴) صلاحیت های «رئیس جمهور» معادل یک «دیکتاتور» و «غیرپاسخگو» است!

«خاطرات» رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا (۲۰۱۴):

* کرزی، طالبان را در شمال جاجا ساخت؛

* کرزی در نشست محرمانه در ارگ از من خواست تا در تضعیف و از بین بردن سران جبهه شمال با او همکاری کنم؛

* کرزی به من گفت: بزرگ ترین تهدید در برابر حکومت من جبهه شمال است، نه طالبان؛

* کرزی گفت: دست مرا در تقویه طالبان باز بگذارید تا بتوانم از آن طریق تفنگ سالاران را از بین ببرم!

قومی-شدن سیاست و سیاسی-شدن قومیت

* افغان – سازی اقوام (تاجیک، هزاره، اوزبیک وغیره)؛

* پشتون – سازی قبایل پشتو زبان (اکثریت سازی افغان/پشتون ها)؛

* پشتو – سازی زبان کشور (پول، شناسنامه، گذرنامه، سرود، بیرق، تبدیل نام های محلات و حذف زبان پارسی)!

* تقویه طالبان و گسترش آنها در شمال؛

* ترور و «آلوده سازی» سران و فرماندهان ایتلاف شمال؛

* گسرش فساد و غارت ملیاردها دالر (مکتب/معلم/سرباز خیالی)؛

* راه اندازی انتخابات های تقلبی/گوسفندی؛

* تشدید پروسه تحمیل هویت قومی، زبانی و فرهنگی؛

* حذف زبان فارسی از سرود، گذرنامه، ادارات دولتی و...

* رهایی طالبان (تعادل در زندان ها و بمباران ها)؛

* تمرکز بخش های مالی/استخدامی ادارات در ارگ؛

* «سهمیه بندی قومی» کانکور؛

* توزیع اجباری «شناسنامه افغان»؛

* تجزیه سایر اقوام (۷۰) و اکثریت سازی پشتون ها؛

* تصفیه غیرافغان ها از ادارات دولتی؛

نتیجه گیری

با وجود همه تاریخ سازی ها و جعل کاری ها، اسناد و منابع تاریخی نشان می دهد که:

* واژه «افغان» پیشینه حدود ۱۰۰۰ ساله (به اساس حدودالعالم) دارد؛

* واژه «افغانستان» در کوههای سلیمان پیشینه حدود ۷۰۰ ساله (به اساس تاریخنامه هرات) دارد؛

* نام های «نخستین قبایل افغانی» پیشینه حدود ۶۰۰ ساله (به اساس آثار دوره امیرتیمور) دارد؛

* «نام های قبایل امروزی افغان» پیشینه حدود ۵۰۰ ساله (به اساس بابرنامه) دارد؛

* «ادبیات افغانی» و واژه «پتان» پیشینه حدود ۴۵۰ ساله (به اساس خیرالبیان و اسرارالافاغنه) دارد؛

* واژه های «پشتو/پشتون» پیشینه حدود ۴۰۰ ساله (به اساس مخزن الاسلام) دارد؛

* واژه «افغانستان» به عنوان نام کشور ما پیشینه حدود ۱۰۰ ساله (از اعلان استقلال در ۱۹۱۹ و معاهده با برتانیه) دارد؛

* قبایل مختلف «افغان/پشتون» منشای قومی گوناگون (هندی، یهودی، قبطی، هونی، ترکی، مغولی، ارمنی، تاجیکی وغیره) دارند.

آنچه در کشور جریان دارد: فاشیزم دولتی (افغانیزم/پشتونیزم) است!

سرچشمه ها

لعل زاد. کرونولوژی افغان ها در منابع تاریخی. مارچ ۲۰۲۱

https://archive.org/details/20210320_20210320_2012/page/28/mode/2up

لعل زاد. مشکلات دولت/ملت سازی در کشور و راههای حل آن. دسمبر ۲۰۱۹

https://archive.org/details/20210518_20210518_2041

لعل زاد. وضع موجود در کشور و راههای حل آن. جولای ۲۰۱۷

https://archive.org/details/20210521_20210521_0818

لعل زاد. متن کامل کنفرانس نام های سرزمین های ما در منابع تاریخی. فبروری/اپریل ۲۰۱۲

https://archive.org/details/20210309_20210309_1230/page/n203/mode/2up

لعل زاد. چگونگی ایجاد کشوری به نام افغانستان. نومبر ۲۰۰۸

https://archive.org/details/20210517_20210517_2005

https://www.youtube.com/watch?v=s4bXFYOHRIw&t=1422s

لعل زاد. افغانستان امروزی در نقشه های دیروزی. می ۲۰۰۶

https://archive.org/details/20210521_20210521_1333

ماندگار. از شهادت سپنتا تا شهادت رابرت گیتس: کرزی طالبان را در شمال جابجا ساخت. ۱۵ میزان ۱۳۹۴

https://mandegardaily.com/%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84/%D8%A7%D8%B2-%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%B3%D9%BE%D9%86%D8%AA%D8%A7-%D8%AA%D8%A7-%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%AA-%DA%AF%DB%8C%D8%AA%D8%B3-%DA%A9%D8%B1%D8%B2%DB%8C/

شایگان و سروش. اطلاعات روز. گرازش تحقیقی؛ چگونه فهرست اقوام در شناسنامه الکترونیکی از ۱۴ به ۷۱ رسید؟ جوزا ۱۴۰۰

https://www.etilaatroz.com/124727/research-report-how-did-list-of-relatives-in-electronic-id-card-increase-from-14-to-71/?fbclid=IwAR0iLRbM9w_kryEmjflN4Cn1vm5JILm46dFqx6gkVxtbs2oyzMkz5MGBbpI

https://www.facebook.com/dailyetilaatroz/posts/4169083436446926

زیوری. زوال پشتون ها در افغانستان (انوارالحق احدی، رهبر حزب «افغان ملت»). ۱۹۹۵

https://archive.org/details/20201203_20201203_1410

غنی. تعادل در زندان ها و تعادل در بمباران ها

https://www.youtube.com/watch?v=NpL8aeAgYPA

کرزی. طالبان هم افغان اند و حق دارند مناطقی را اشغال کنند

https://www.youtube.com/watch?v=4W3PTDaYffg

Coll, Steve. Dodging a Coup in Kabul, For Now. The New Worker. July 17, 2014.

https://www.newyorker.com/news/news-desk/dodging-a-coup-in-kabul-for-now?fbclid=IwAR1njKjlZ6bspKYQ78GE3LzN1dvVoVd8fDI8bjtwAfBkp4qRC8vVvmFD418

Lalzad. Warning: Taliban is back - More 9/11s. London, 28 May 2006

http://www.ariaye.com/english/lalzad2.html

لعل زاد. دو پیشنهاد ساده و عملی برای کاهش بحرانات داخلی و مداخلات خارجی در کشور. لندن. جون ۲۰۰۶

http://www.ariaye.com/dari3/siasi/lalzad.html